

# سیاستهای جمعیتی

دکتر عزت‌الله کیوان

مقدمه

در حال حاضر اکثریت دول دنیا دارای سیاستهای ملی تفریح شده‌ای در زمینه مسائل جمعیتی هستند و قریب به اتفاق آنها خدمات بهداشت و تنظیم خانواده را با این دید که رشد جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار دهد مورد توجه قرار داده‌اند در این گفتار سعی شده است. بررسی کوتاه و کلی از سیاستهای موجود در این زمینه بعمل آید.

در آغاز ذکر این نکته لازم است که اگر چه عناوین سیاستهای جمعیتی و برنامه‌های جمعیتی اغلب و بگرات بجای یکدیگر به کار گرفته میشود ولی محتوایی متفاوتی از یکدیگر دارند به این معنی که منظور از سیاستهای جمعیتی پذیرش «هدفهای خاص و ویژه از طرف دولت در زمینه جمعیت و غرض از برنامه‌های جمعیتی روشهای پذیرفته شده جهت نیل به آن اهداف میباشد» (۴) همچنین لازم به یادآوری است که بین «فعالیت جمعیتی» «نظریه جمعیتی» و «سیاست جمعیتی» نیز نباید اشتباه شود. «فعالیت جمعیتی» آن چیزی است که مردم به‌ارای خود انجام میدهند، نظریه جمعیتی برداشتی است فردی از اقداماتی که مردم انجام میدهند و بالاخره «سیاست جمعیتی» آن چیزی است که یک فرد مسئول معتقد است که مردم باید انجام دهند و لذا سعی در اجرا و گسترش آن دارد (۵).

سیر تاریخی

بدنبال جنگ جهانی دوم افزایش میزان موالید در کشورهای پیشرفته که ناشی از

عدم تحرک بعد از جنگ و افزایش ازدواجها بود (۳) از یک سوی و کاهش سریع میزان مرگ و میر بویژه مرگ و میر اطفال و نوزادان در کشورهای کم پیشرفته و در حال پیشرفت بدنبال بهره‌وری از یسرتهای بهداشتی و درمانی ملل پیشرفته بدون کاهش هم‌زمان در میزان موالید (۱۵ و ۱۹۲۱) از سوی دیگر موجب توجه دولتها به مسئله افزایش جمعیت شد. بدنبال این امر بسیاری از ممالک پیشرفته برنامه‌هایی در جهت کنترل جمعیت تنظیم نمودند و کمکهای بسیار از طریق مؤسسات بین‌المللی در اختیار ملل در حال پیشرفت قرار دادند.

برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده اولین وسیله‌ئی بود که گمان میرفت در جهت کاهش جمعیت مؤثر باشد ولی علی‌رغم گسترش وسیع این برنامه‌ها در ۱۰ سال گذشته تغییر قابل ملاحظه‌ئی در رشد جهانی جمعیت مشاهده نشد. این ناکامی موجب این اظهار نظر شد که برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده تأثیری در کاهش باروری و پائین آوردن رشد جمعیت ندارند و بلکه دیگر عواملی چون ورنیزه شدن جامعه و یسرتهای اقتصادی-اجتماعی باید دست اندر کار چنین مهمی شوند (۱۲). گوانیکه ورنیزه شدن و دگرگونی صنعتی جامعه برای کاهش باروری لازم است و در نبود آنها برنامه‌های کنترل باروری نمیتوانند اثری چشم‌گیر در پائین آوردن رشد جمعیت داشته باشند ولی از سوئی دیگر باید در نظر داشت که علت اساسی ناکامی برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده در کم کردن رشد جهانی جمعیت ساخت سنی بسیار جوان کشورهای کم پیشرفته است که فزونی جمعیت جهان را علی‌رغم کاهش موالید تضمین میکند (۴) و دیگر علت همانطور که در پیش اشاره رفت کاهش یش از پیش میزانهای مرگ و میر در این جوامع بدنبال بهره‌وری از فعالیت‌های بهداشتی و بهبود وضع غذایی است و نه صرفاً ورنیزه نبودن و هر صنعتی نشدن آنها. در دهه ۱۹۶۰ بیش از ۰.۲۰٪ جمعیت کشورهای در حال توسعه را گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ سال اشغال میکردند و حال آنکه رقم مشابه برای جوامع پیشرفته ۰.۲۰٪ و یا کمتر بوده است (۱۴ و ۱۵).

### تکامل سیاستهای جمعیتی

دولتهای جملگی سعی در کم کردن میزان مرگ و میر دارند. هدف اصلی این کوششها عوامل اقتصادی هستند به‌مراه یک چند عامل بشر دوستانه. شکلی نیست بیماریهای بومی؛ میزان بالای مرگ و میر نوزادان و مرگ کارگران در سالهای تولیدی موجب ضرر و خسران ملی میشود. ولی کوششی در جهت کاهش و کنترل باروری ظاهراً محرک‌هایی مختلف دارد. بدین معنی که در ممالک پیشرفته عامل اصلی کنترل جمعیت اثرات محیطی و چگونگی توزیع

آن میباشد و حال آنکه در کشورهای کم پیشرفته سبب اصلی کنترل باروری از میان برداشتن مانع توسعه اقتصادی - اجتماعی است.

پذیرش سیاستهای جمعیتی در جهت کنترل جمعیت نتیجه يك تصمیم ناگهانی و خلق الساعه از طرف دولتها نیست و بلکه تدریجی و طی مراحل میباشد بدین معنی که ابتدا دولتها يك سری قوانینی تصویب کرده و يك چند برنامه اجتماعی را در پاسخ به شرایط دموگرافیک پذیرا میشوند تا آنکه سر انجام مجموعه این اقدامات به اعلام يك سیاست محلی و جامع بمنظور بررسی همه جانبه در مسائل جمعیتی منتهی میشود.

شورای جمعیت هشت مرحله در تکامل سیاستهای جمعیتی مشخص می کند  
شرح زیر (۶):

- ۱- گرایش دولت به مسئله جمعیت بعلت درگیری آن با برنامههای اقتصادی
- ۲- اظهار نظر رسمی در باره جمعیت از طرف مقامات مسئول
- ۳- ایجاد کمیتههایی بمنظور بررسی وضعیت دموگرافیک
- ۴- انجام يك چند بررسی جهت آگاهی از میزان آگاهی، عقاید و رفتار \*\* مردم در زمینه وسائل و روشهای پیشگیری از حاملگی، تنظیم پروژههای مقدماتی در زمینه جمعیت و برقراری دورههای علمی در دموگرافی در سطح دانشگاهها.
- ۵- تخصیص بودجه برای برنامههای بهداشت و تنظیم خانواده و یا افزایش بودجه آن از طریق برنامههای بهداشتی.
- ۶- طرح هدفهای دموگرافیک با در نظر گرفتن محدودههای زمانی
- ۷- تأسیس سازمان بهداشت و تنظیم خانواده در یکی از واحدهای دولتی جهت اجراء برنامهها

۸- ادغام کلیه برنامههای جمعیتی موجود از پیش و گسترش فعالیتهاى کمکی چون آموزش همگانی و ارزشیابی فعالیتها.

تنظیم سیاستهای جمعیتی بویژه در جهت کاهش و کنترل جمعیت بندرت آسانویی مشکل است چرا که اغلب موانع و محدودیتهایی در راه هستند، آنجمله اند (۴):

۱- فرهنگ سنتی و میاهاى موجود در مورد وضع زنان، کار کردن بچهها و نقش

برتری مرد در خانواده  
۲- فقر

- ۳- توها (محرمات) مذهبی
- ۴- اختلافات مذهبی یا نژادی
- ۵- عوامل نظامی

۶- ایده نولوژی (مارکسیسم، ناسیونالیسم).

وقتی فرهنگ سنتی حکم کند که دختر چندی از رسیدن به سن بلوغ باید ازدواج کند، سنی که با سن قانونی ازدواج همواره یکی نیست و موجودیت حقوقی و اجتماعی زن تنها پس از ازدواج تثبیت شود و دختر بالغ ازدواج ناکرده فاقد چنین پایگاهی باشد لاجرم سن ازدواج پائین است (۱۱) که خود عاملی برای افزایش باروری و جمعیت بدنباله آن خواهد بود.

اعتقاد به اینکه فرزند (بویژه اولاد ذکور) در تأمین مخارج خانواده مؤثر است و بر آورده کننده خدمات مورد نیاز خانه (۲۰) و اینکه زن بارورتر از احترام بیشتری برخوردار است (۱۶) موجب آن میشود که والدین بخواهند فرزند بیشتری داشته باشند و بالاخره وقتی افراد را عقیده بر آن باشد که تولد فرزند به اراده و مشیت الهی بستگی دارد (۱۱) خدمات بهداشتی و تنظیم خانواده مقبول نخواهند بود.

فقر بدنبال خود ناتوانی و بیماری جهل و یسوادی، کم غذایی و بی غذایی و فزونی مرگومیر بویژه مرگومیر اوان تولد به همراه دارد که جملگی موجب افزایش باروری و عدم پذیرش سیاستهای باروری میشوند.

مخالفت کلیسای کاتولیک درم با روشهای پیشگیری از حاملگی موجب آن شده است که پیروان این کلیسا کمتر برنامه‌های بهداشتی و تنظیم خانواده را پذیرا شوند و لاجرم باروری بالاتری از دیگر گروههای مذهبی داشته باشند. مطالعه انجام شده در ۱۹۵۷ در ایالات متحده در زمینه میزان باروری در رابطه با مذهب ارقام زیر را بدست داده است (۳):

مذهب	تعداد فرزند متولد شده در ۱۰۰۰ زن ۲۵ سال و بیشتر
کاتولیک	۳۰۵۶
پروتستان	۲۷۵۳
کلیبی	۲۲۱۸

اعمال و اراده سیاستها و برنامه‌های کنترل باروری از طرف يك گروه مذهبی یا نژادی خاص ممکن است این ظن و شك را در گروه دیگر برانگیزاند که هدف در اقلیت نگاه داشتن

آنهاست و نه بهبود وضع زندگی آنها (۴). شاید همین ظن و شك باشد که موجب کم پذیرائی برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده از طرف سیاهان در ایالات متحده شده است. گویا اینکه امروزه قدرت نظامی يك کشور کمتر در رابطه با تعداد افراد در خدمت نظام و بلکه بیشتر در ارتباط با تکنولوژی مهمات است با این وجود گه‌گاه عوامل نظامی موجب طرد برنامه‌های کنترل جمعیت میشود. نمونه‌ئی که میتوان مثال آورد کشور آرژانتین است که در جای دیگر در همین گفتار به آن اشاره مجدد خواهد رفت.

و بالاخره ارائه و پیشنهاد برنامه‌های کنترل باروری از سوی يك منبع خارجی ممکن است باعث درگیری با احساسات ناسیونالیسی و ایده‌ئولوژیکی جامعه بشدت مردود و مطرود شناخته شود که نمونه آن يك چند کشور آمریکای لاتین هستند که برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده را با این دلیل که چون از طرف سازمانهای وابسته به ایالات متحده پیشنهاد شده بود پذیرائی نداشتند (۱۷).

بر این اساس برای اینکه سیاست جمعیتی يك سیاست موفق باشد باید حائز شرایطی باشد چون:

۱- بر پایه تصمیمات منطقی و درك نیازهای ملی طرح ریزی شده باشد.

۲- مناسب با موفقیت جمعیت کشور باشد.

۳- تغییر پذیر بوده تا با تغییرات اجتماعی تغییر کند.

### ماهیت سیاستهای جمعیتی :

ماهیت یا کیفیت سیاست جمعیتی تغییر شرایط دموگرافیک اقتصادی و اجتماعی است. بطور وسیع چنین سیاستی موجب تغییر در تعداد جمعیت، رشد جمعیت، ترکیب جمعیت و توزیع جمعیت میشود. اصول جملگی سیاستها، برنامه‌های اجرائی و قوانین دولتی به نحوی از انحا مستقیم یا غیر مستقیم متغیرهای جمعیت یعنی باروری، مرگومیر، مهاجرت‌های خارجی و پراکنندگی داخلی جمعیت را تحت تأثیر قرار میدهند، ولی هیچیک از آنها را نمیتوان سیاست جمعیتی نامید مگر آنکه بمنظور تغییر سیر طبیعی حرکات جمعیت تنظیم شده باشند.

سیاستهای جمعیتی را از نظر نحوه تأثیر میتوان به دو گروه مشخص تقسیم نمود :

۱- سیاستهایی که مستقیماً متغیرهای دموگرافیک را تحت تأثیر قرار میدهند، از آنجمله اند قوانین مهاجرت یا قوانین مربوط به سقط جنین و توزیع و بخش و مسائل پیشگیری از حاملگی.

۲- سیاستهایی که من غیر مستقیم بر متغیرهای دموگرافیک اثر می گذارند مانند برنامه های بهداشتی، طرح های اقتصادی شهر روستا.

گاه سیاستها و برنامه های موجود اثراتی ضدو نقیض بر جمعیت دارند، چرا که مثلا گسترش فعالیت های بهداشتی و تنظیم خانواده موجب آزادی عقاید و فعالیت در زمینه پیشگیری از حاملگی و سقط جنین میشود، عواملی که کاهش جمعیت را سبب میشود. از سوی دیگر گسترش برنامه های رفاه اجتماعی و کمک به خانواده که اصولا در اصل هدفهای بشردوستانه را دنبال میکند موجب افزایش بعد خانواده و در نهایت امر فزونی جمعیت میشوند. نمونه ای که میتوان مثال آورد کشور سوئد است که بعد از جنگ جهانی دوم در حالی که سیاست جلوگیری از کاهش جمعیت را دنبال میکند، همزمان وسائیل پیشگیری از حاملگی و اطلاعات لازم در باره آنها به رایگان در اختیار همگان است و از ۱۹۷۱ نیز بسیاری از محدودیتهای مربوط به سقط قانونی کنار گذاشته شده اند (II-۹) دیگر نمونه انگلستان است که سیاست دولت بر این است که بعد جمعیت از میزان فعلی کمتر نشود ولی به همراه آن خدمات بهداشتی و تنظیم خانواده از طریق خدمات بهداشت ملی مجاناً در اختیار متقاضیان قرار داده میشود. مشکل بتوان کشوری پیدا نمود که دارای سیاستی همه جانبه در زمینه جمعیت باشد. یعنی سیاستی که بطور مؤثری جملگی عوامل اقتصادی و اجتماعی را که موجب تغییرات جمعیتی میشوند در بر گیرد، بلکه اکثر کشورها چندین سیاست جمعیتی را دنبال میکنند که يك چند از آنها ممکن است تقویت کننده یکدیگر و بعضی دیگر همانطور که اشارت رفت ضدو نقیض باشند. این مسئله از سوی دیگر موضوع تقسیم بندی کشورها را بر اساس چگونگی سیاست جمعیتی مواجه با اشکال میکند که برای رفع آن بدون در نظر گرفتن کشورها سیاستهای جمعیتی را بر اساس هدف و نوع فعالیت تقسیم بندی میکنیم.

### هدفهای سیاستهای جمعیتی:

هدف اصلی از اتخاذ يك سیاست جمعیتی ممکن است دگرگونی در اندازه جمعیت، در توزیع یا پراکندگی جمعیت و یا تغییر در ترکیب (یا خصوصیات) جمعیت باشد.

**تغییر در اندازه جمعیت:** تغییر در اندازه جمعیت با دستکاری در یکی از سه متغیر دموگرافیک یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت های خارجی امکان پذیر است. از آنجا که دولت ها کوشش بر آن دارند که میزان مرگ و میر را تا حد ممکن کاهش دهند و از سوی دیگر تمام دول مهاجرت بد داخل یا خارج کشور را تحت کنترل دقیق دارند. لذا دستکاری در تنها متغیر

باقیمانده یعنی موالید کلید اصلی تنظیم اندازه جمعیت است. بر این اساس گاهی اصطلاحات کنترل جمعیت و «کنترل موالید» بجای یکدیگر جهت بیان یک هدف بکار برده میشوند. سیاستهای مؤثر بر موالید به دو گروه اساسی تقسیم میشوند، آنها که موجب افزایش باروری میشوند و آنها که کاهش موالید را بدنبال خواهند داشت. از جمله سیاستهای افزایش باروری سیستم پاداش و مؤثر تر از آن قانون محدودیت سقط و توزیع کنتراسپیتوها است. بهترین نمونه مورد دوم کشور رومانی است که در ۱۹۶۶ بطور ناگهانی قانون آزادی سقط را که در اواسط دهه ۱۹۵۰ به تصویب رسیده بود لغو کرد و آنرا به زنان ۲۵ سال و بیشتر و بازناییکه ۴ فرزند و بیشتر دارند محدود نمود (۲۱). اثر قانون بلافاصله محسوس شد، بدین معنی که تعداد سقط که در ۱۹۶۵ به بیش از یک میلیون رسیده بود در ۱۹۶۷ به ۵۱۷۰۰ کاهش یافت، میزان سقط بیش از ۴۰۰۰ در ۱۰۰۰ زایمان زنده به ۹۸ در هزار کاهش و میزان موالید از ۱۴/۳ در هزار در ۱۹۶۶ به ۲۷/۲ در هزار در ۱۹۶۷ افزایش یافت (۴). دولت آرژانتین نیز اخیراً قانونی به تصویب رسانده است که شدیداً انتشار و گسترش اطلاعات و وسائل مربوط به کنترل باروری و پیشگیری از حاملگی را محدود میکند. هدف این دولت دوبرابر کردن جمعیت ۲۵ میلیونی کشور تا پایان قرن بیستم است باین منظور که امکان مقابله نظامی احتمالی با کشور برزیل را داشته باشد.

سیاستهایی که کاهش باروری را موجب میشوند خود دودسته اند: آنها که بطور مستقیم موجب کاهش باروری میشوند چون برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده و قوانین مربوط به آزادی سقط جنین و آنها که غیر مستقیم از باروری میکاهند که تحت عنوان کلی «وراء بهداشت و تنظیم خانواده» (۱۷) نامیده میشوند.

اساس برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده تولید و توزیع خدمات و وسائل پیشگیری از حاملگی همراه با نشر اطلاعات و آموزش همگانی است که معمولاً در بطن خدمات بهداشت ملی یا وزارت بهداشت جای دارند. اگر چه تعیین میزان اثر برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده بر میزان موالید بویژه در ملل در حال پیشرفت در حال حاضر مشکل است ولی این برنامه‌ها وسیله اولیه مورد استفاده دول این کشورها در پائین آوردن میزان رشد جمعیت است. تحت عنوان سیاستهای «وراء بهداشت و تنظیم خانواده» مجموعه‌ئی از اقدامات و فعالیتها را میتوان نام برد که من غیر مستقیم موجب کاهش موالید میشوند، از آنجمله اند: تنظیم قوانین مالیاتی بفع خانواده‌های کوچک، افزایش سن ازدواج، آموزش مسائل جمعیتی

در مدارس، پرداختهای تشویق برای عقیم شدن داوطلبان. بسیاری از این روشها به نحوی از انحا در ممالکی چند مورد استفاده میباشند از آنجمله :

— پرداختهای نقدی برای عقیم شدن در هندوستان

— پرداخت جوایز نقدی بمنظور تشویق کارگران زن به استفاده از برنامه‌های بهداشت

و تنظیم خانواده در فیلی پین

— سیستم کوپن در تایوان (۲۲)

— افزایش سن ازدواج در چین (۱۹).

تغییر در توزیع جمعیت : سیاستمداران همیشه تغییرات میزان رشد جمعیت را مهمترین اصل دموگرافیک در نظر می‌گرفتند ولی از بعد از جنگ جهانی دوم بعد جدیدی بوجود آمد که شهرنشینی باشد. شهرنشینی عظیم دنیا زنگ خطر توزیع نامساوی جمعیت را تقریباً در تمام کشورها از پیشرفته و در حال پیشرفت بصدا درآورد. اظهار نظر در باره چگونگی رشد شهرنشینی در کشورهای مختلف بسی مشکل است چراکه ملاک معیاری در این زمینه وجود ندارد (۳۹۱۳)، با این وجود آمار و ارقام در جملگی کشورها حاکی از توسعه سریع شهرنشینی است. (۱۳۹۱۳)

در گذشته گه‌گاه دولتها کوشش در پر کردن فضاهای خالی بودند که نمونه آن برزیل که پایتخت جدید برازیلیا را در ایالت کم جمعیت Coias با این امید بنا نهاد که ساکنین مناطق پر جمعیت را به این منطقه جلب کند (۴). در حال حاضر چنین نگرانی در بین نیست چراکه تقریباً تمام زمینهای قابل کشت و مسکونی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. حال نگرانی دولتها این است که بنحوی مهاجرت روستا به شهر را مانع شوند. تاپیش از ۱۸۵۰ عملاً هیچ جامعه‌ئی را صلاحیت آن نبود که شهر نشین نامیده شود و در ۱۹۰۰ فقط انگلستان حائز چنین خصوصیتی گردید.

جریان مهاجرت مسئولیت سنگینی برای شهرها بوجود می‌آورد و مسائل و مشکلاتی را در خدمات عمومی، حمل و نقل، تأمین نیازمندیها و مصرف انرژی موجب میشود. مسئله شهرنشینی در ممالک در حال پیشرفت حادثراز ممالک پیشرفته است چراکه پدیده شهرنشینی که لزوماً باید به‌مراه پدیده صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی باشد بسی جلو تر از آنها است و این امر ناشی از رکود اقتصادی و نبود کار در روستاها است (VIII-IX) سیاستهای چندی بمنظور توزیع صحیح جمعیت و پیشگیری یا تنظیم مهاجرت روستائیان به شهر میتوان اعمال داشت، که از آنجمله‌اند (۱۲):



- ایجاد مراکز کشاورزی

- تغییر سیستم مالکیت

- عدم تمرکز مراکز صنعتی

**تغییر در ترکیب جمعیت :** دیگر موردیکه ممکن است هدف سیاستهای جمعیتی دولت قرارگیرد ترکیب یا خصوصیات جمعیت است. خصوصیات جمعیت یازادی و ثابت هستند چون سن و جنس و نژاد و با اکتسابی و تغییر پذیر چون وضع سواد و ازدواج و شغل و درآمد. ترکیب سنی يك جامعه تحت تأثیر مستقیم میزان باروری است (۱۲/۱) و لذا سیاستهاییکه بر میزان باروری جامعه اثر میگذارند سن جامعه را نیز متأثر خواهند ساخت. دگرگونیهای باروری بیش از هر چیز پایه هرم سنی را متأثر میسازد بدین معنی که زیادهای باروری موجب عریض شدن پایه هرم و کمی آن باریک شدن آنر موجب میشود (۱۳/۱). ازسوی دیگر کاهش مرگ و میر تمام هرم را بر آمده میسازد ولی اگر این کاهش در گروه سنی ویژه ای باشد موجب بر آمدگی آن گروه سنی میشود. از آنجا که کوشش در جهت کاهش مرگ و میر بیش از هر چیز بر مرگ و میر نوزادان و اطفال مؤثر است لذا اینگونه ناتوانی طولانی در ساخت سنی جمعیت در هر دو جهت جوان و پیر، نتایج اقتصادی ناخوشانیدی بدنبال خواهد داشت چرا که هر دو موجب افزایش نسبت وابستگی میشود. جوان بودن جمعیت بار سیستم آموزشی را گران میکند و افزایش جمعیت پیر برنامههای رفاه اجتماعی را با اشکال روبرو میسازد.

ساخت جنسی جامعه متأثر از نسبت جنسی بهنگام تولد، طول عمر و مهاجرتهای بین المللی است و لذا سیاستها و برنامههاییکه بر آنها مؤثر باشند تغییر در ساخت جنسی جمعیت را موجب میشوند.

نسب جنسی بهنگام تولد در همه جا چیزی معادل ۱۰۵ نوزاد پسر در مقابل ۱۰۰ نوزاد دختر است (۳/۴). میزان جهانی آن ۵۱۴۶/۰ گزارش شده است (۲۳). افزایش طول عمر نسبت جنسی را به نفع زنان تغییر میدهد چرا که زنان عمر بیشتری میکند تا مردان بدین ترتیب در اجتماعات پیر تعداد زنان بر مردان فزونی دارد (۲۴). شکلهای ۱- الف و ب که ساخت سنی و جنسی جمعیت کشور سوئد را در سالهای ۱۷۵۰ و ۱۹۷۰ نشان میدهند بخوبی نمایانگر دگرگونی جمعیت پیر در جهت فزونی زنان بدنبال افزایش طول عمر میباشد (II-۹) وقتی متوسط طول عمر در هنگام تولد در دورههای مختلف در کشور

سوئد مورد بررسی قرار دهیم نتایج زیر را بدست میاوریم (۹-۱۱) :

### متوسط طول عمر در هنگام تولد

سال	زن	مرد
۱۷۵۰	*۴۳	*۴۲
۱۹۰۰	۵۶	۵۴
۱۹۷۰	۷۶	۷۱

مصرف قرصهای پیشگیری از حاملگی ممکن است نسبت جنسی بهنگام تولد را بنفع نوزادان دختر تغییر دهد و حال آنکه استفاده از ابزارهای داخل رحمی (آی.یو.دی) تاثیری بر این نسبت ندارد (۲۳).

مهاجرتهای بین المللی نیز بر نسبت جنسی جمعیت تأثیری مهم دارند چرا که آنها که سرزمین خود را بامید امکانات زیست بهتر ترك می کنند و راهی دیاری دیگر میشوند به اغلب احتمال مردان در سن کار هستند. در ایالات متحده بالاترین نسبت جنسی بین گروههای مهاجرت (۳) از سوی دیگر مناطقی که از میزان بالای مهاجرت به خارج در رنج هستند (مناطق روستائی) نسبت جنسی پائین تری دارند. بر این اساس دگرگونیهای سیاستهای مربوط به مهاجرت ساخت سنی و جنسی جمعیت را دگرگون میسازد.

ترکیب نژادی جمعیت لزوماً با نحوه مهاجرت و بعد از آن با میزانهای مختلف باروری در گروههای مهاجر در ارتباط است. سیاست مربوط به مهاجرت در کشورهای مختلف متفاوت است، مثلاً قوانین مهاجرت در ایالات متحده در طی سالها به تناوب تغییر کرده است. انگلستان شدیداً مهاجرت از مستعمرات قبلیش را تحت کنترل دارد و دولت برزیل ویزای مهاجرت به اتباع ممالک آسیائی و آفریقائی نمیدهند (۴). گاه ممکن است دولتها جهت تغییر ترکیب نژادی جمعیت خود سیاست مهاجرت اجباری به خارج را اعمال دارند که نمونه‌ئی از آن سیاست اعمال شده از طرف دولت اوگاندا جهت خروج ۱۸۰/۰۰۰ آسیائی از آن کشور بوده است (۴).

### انواع سیاستهای جمعیتی :

\* : توضیح آنکه با در دست نداشتن متوسط طول عمر بهنگام تولد در ۱۷۵۰ در سوئد، با فرض اینکه سوئد انگلستان شرایط جمعیتی مشابهی داشته و دارند متوسط طول عمر جمعیت انگلستان در ۱۷۵۰ برای سوئد نیز فرض شده است (۱۰)

اینکه دولت‌ها چه حد قادر یا مایل به بررسی مسائل جمعیتی هستند موضوع قابل بحثی است، چرا که شرایط سیاسی و اجتماعی هر جامعه معلوم می‌دارد که دولت‌ها تا چه حد می‌توانند در مسائل جمعیتی بویژه در مورد موضوع حساس کنترل موالید قاطع و صریح باشند و شرایط مزبور نیز از کشوری به کشور دیگر تفاوت‌های بسیار دارد. بدین لحاظ گاه مشکل بتوان معلوم داشت يك دولت بخصوص سیاست جمعیتی اعمال می‌دارد یا خیر. برای روشن شدن موضوع باید پاسخ سئوالات زیر که از طرف سازمان ملل مطرح شده‌اند در دست باشند (۸):

۱ - آیا يك مقام رسمی باید اظهار دارد که سیاست جمعیتی در کشور وجود دارد؟

۲ - آیا هدف بطور خیلی کلی یا با جزئیات باید اعلام شوند؟

۳ - آیا اظهار نظر رسمی به تنهایی کافی است یا اقدامات و فعالیت‌های دولتی هم

باید انجام گیرد؟

۴ - در نبود اظهار نظر رسمی، آیا حمایت دولت از اقدامات بخش خصوصی در

زمینه بهداشت و تنظیم خانواده می‌تواند سیاست جمعیتی شمرده شود؟

۵ - اگر هدف دولت از برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده کاهش سقط جنین

غیر قانونی و یا قادر ساختن خانواده‌ها در محدود ساختن تعداد فرزندانشان است و نه

کاهش باروری و رشد جمعیت آیا می‌توان آن را سیاست جمعیتی نامید؟

۶ - آیا برنامه‌هایی را که من غیر مستقیم متغیرهای جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند

(چون مبارزه با یسواد، بهبود وضع زنان و گسترش برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی)

می‌توان سیاست جمعیتی نامید؟

۷ - در حضور برنامه و سیاست‌هایی که اثرات متضاد بر سیر جمعیت دارند، چگونه

می‌توان برنامه‌های جمعیتی را از اقداماتی که بمنظورهای بهداشتی یا اجتماعی اعمال می‌شود

جدا نمود؟

پاسخ این سئوالات معلوم می‌دارند که چه حد اجزای سیاست‌های جمعیتی در گیر

برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی هستند.

بهر حال دولت‌ها را از دید سیاستی که در زمینه مسائل جمعیتی اعمال می‌دارند

به سه گروه می‌توان تقسیم نمود (۶/۷):

۱ - دولت‌هایی که دارای سیاستی رسمی و دولتی در مسائل جمعیتی هستند.

۲ - دولت‌هایی که سیاست رسمی و دولتی ندارند ولی اقدامات بخش خصوصی را در زمینه

مسائل جمعیتی حمایت می‌کنند.

۳ - آنها که فاقد هرگونه سیاست و برنامه مشخصی در مسائل جمعیتی هستند.

از جمله دولتهای گروه اول می توان دولت آرژانتین را در جهت افزایش جمعیت کشورش و جملگی دولتهای کشورهای در حال توسعه را در جهت تحدید و کنترل جمعیت کشورشان مثال آورد.

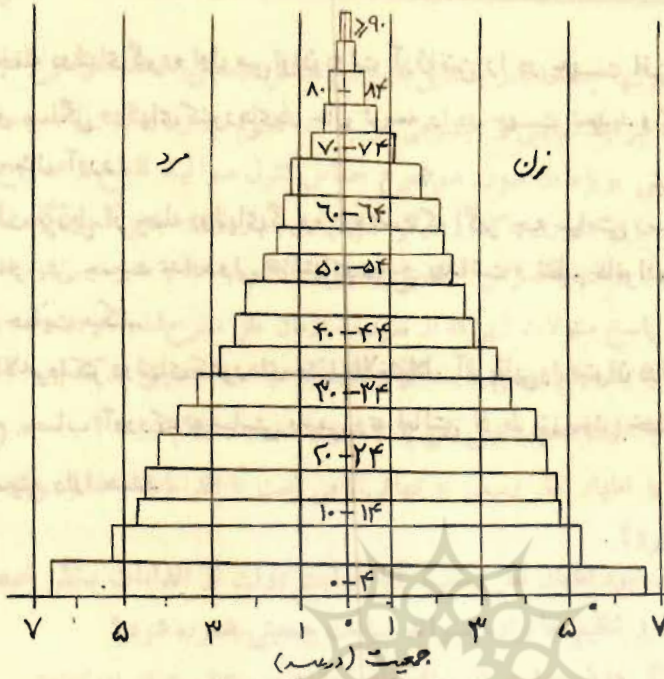
دولت برزیل از جمله دولتهای گروه دوم است که اگر چه سیاستی رسمی در جهت کنترل یا افزایش جمعیت ندارد ولی فعالیتهای وسیع بهداشت و تنظیم خانواده را در بخش خصوصی حمایت میکند.

وبالآخره اکثر دولتهای کشورهای جدید الاستقلال آفریقایی را میتوان در زمره دولتهای گروه سوم بحساب آورد که نه سیاستی رسمی و نه فعالیتی از طریق بخش خصوصی در زمینه مسائل جمعیتی دارا هستند.

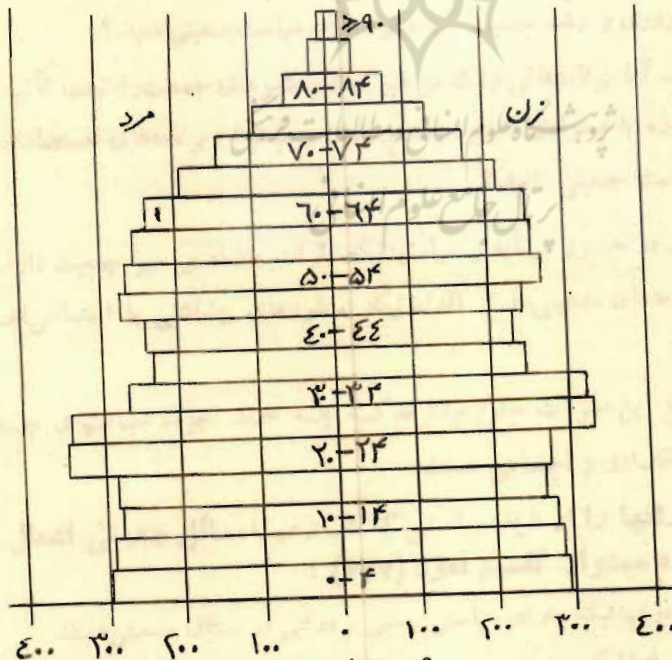


ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



شکل (الف) - ساخت جمعیتی کشور سوئد (۱۹۵۰)



شکل (ب) - ساخت جمعیتی کشور سوئد (۱۹۷۰)

## باریدها

1. Pan-American Federation of Association of Medical Schools  
'Health and Population'.  
the Teaching of Demography in Medical Schools  
Bogota, Colombia, 1974.
2. Population Reference Bureau Inc.  
world population Data Sheet 1972  
Washington, D.C.
3. U.S. Department of Commerce  
the Methods and Materials of Demography 2nd printing  
U.S. Government printing office  
Washington, D.C. 1973
4. Population Reference Bureau Inc,  
Policies on population Around the World  
Washington, D.C. 1974
5. Ralf H. Deming  
population Dynamics: Causes and consequences of world  
Demographic change  
Random House, New York 1965
6. the Population Council  
'population and Family planning programs: A fact Book'

Reports on population Family planning

No. 2 Sep. 1973

7.

population and Family planning programs: A Fact Book»

Reports on population Family planning

No. 2 June 1971

8\_ the United Nations

«the Determinants and Consequences of population trends

New York 1973

9\_ the population Council

«Country profiles

I\_ France May 1972

II\_ Sweden July 1972

III\_ Dominican Republic January 1973

IV\_ Nigeria February 1973

V\_ Turkey January 1970

VI\_ Chile October 1970

VII\_ Jamaica April 1971

VIII\_ United Arab Republic August 1969

۱۰ - رولان پرسا - دکتر منوچهر (مترجم)

جامعه‌شناسی اجتماعی

انتشارات دانشگاه تهران شماره ۱۴۲۷. تهران ۱۳۵۲

۱۱ - دکتر محسنی منوچهر

تحقیقی پیرامون باروری و کنترل موالید در عشایر فارس (ایل قشقایی)

سخنرانی در: سمینار بررسی مسائل جمعیتی و بهداشت و تنظیم خانواده در ایران

دانشگاه اصفهان مرکز جمعیت‌شناسی، سی‌ام اردیبهشت تا یکم خردادماه ۱۳۵۴

12\_ the population Council.

«A Report on Bucharest

Studies in Family planning

Vop. 5, No. 12 Dec. 1974

13- the Comission on population Growth and the American Futune  
«population and the American Future»

U.S. Government prinihing Office  
washington, D.C. 1972

14- Population Reference Bureau Inc.

world Population Data Sheet 1968-1967  
washington, D.C.

۱۵ - دکتر عبدالرحمن عمران - دکتر عزت الله کیوان (مترجم)

«جمعهای ایلمیولژیک بهداشت و حرکات جمعیت»

انتشارات دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی

شماره ۱۸۵۳، منوگراف ۴۳، اردیبهشت ۱۳۵۱

۱۶ - دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی

گزارش مقدماتی

طرح بررسی و برآورد میزانهای اختصاصی مرگومیر و باروری در ایران قسمت

اول (روستا)

انتشارات دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی

شماره ۱۹۲۸، منوگراف ۴۴

17- the population Council

«Communi Cation in Family planning»

Reports on population Family planning

No. 17 April 1971

18-

«Beyond Family Planning»

Reports on population Family Planning

19- John S. Aird

«Population policy and Demographic pres pects in the people's  
Republic of china»

U.S. Department of Health, Edncation and welfare

Nation Institnte of Health

20- Mohseny, M. Ph. D.

«the Impact of Economic status on Son perfence»



(Unpublished)

21\_ the Population Mouncil

«Induced Abcrtion: A Fact book

Reports on population Family planning

No. 14 Dec. 1973

22\_ Chow, L. P., M.D. Dr. P.H., Sc. D. (Instructor)

Family planning Adminis hation

Teaching Conrse in population and Family planning

School of Hygiene and publc Health

the Johns Hopkins University

Academic year 1973-1974

23\_ Keserü, T.L., etal

«Oral Conhacep five and sex Ratio at bsith»

Lancel 1:369 2 March 1974

24\_ Mausner J.S. M.D. M.P.H., Bahn, A.K. M.D. Sc,D

Epidemiology—An Inhoductory text

W.B. Saunders Co. 1974

پرتال جامع علوم انسانی  
شماره ۱۰۰  
مهر ۱۳۵۳

## جشن نامه محمد پروین گنابادی

۳۲ گفتار در ایران شناسی

زیر نظر دکتر محسن ابولقاسمی

در سال ۱۳۵۲ به مناسبت هفتادمین سال تولد و پنجاهمین سال خدمات پر ارزش علمی و تحقیقاتی استاد محمد پروین گنابادی، آقای دکتر محسن ابولقاسمی استاد دانشگاه تهران، از دانشندان و محققان ایرانی و خارجی به نامهای درخواستی مقاله گزیده ای از آخرین تحقیقات خود برای حق شناسی از سردی که ۵۰ سال مستمر در کار فرهنگ و ادب ایران اثرهای پر ارزشی از خود به جای نهاده است و با وجود ضعف و نالانگی هنوز از پای در ننشسته و با موسسات معتبر علمی چون بنیاد فرهنگ ایران و سازمان لغت نامه دهخدا همکاری میکند ارسال دارند نادر مجموعه ای گرد آید و بنیادها شود.

این مشورل بر آورده شد و اینک مجموعه ای از ۳۲ گفتار ارزشمند در زمینه تاریخ و ادب و فرهنگ ایرانی از دانشمندان ایرانی و خارجی قریب به ۶۰۰ صفحه منتشر گردید.

در باره استاد محمد پروین گنابادی هر چند گفتمی بسیار است و حاصل کلام بیرون از آن نیست که زندگی استاد در سه کلمه خلاصه می شود: دانش، آزادی، فروتنی و همچنان که در قطعه بسیار شیوای حبیب یغمائی که خود از استادان برجسته و مدیر مجله یغما هستند آمده است وصف حال جز این نیست.

خوش فطرت و خوش نیت، دانشور و دانا دل

در کسوت درویشی، در مرتبه استادی

صاحب نظری آگاه، آزاده نژادی پاک

برمسند عرفانی، در مسلک آزادی

هم عالم و هم شاعر، هم قانع و هم خورسند  
انسان ملک مانند، از مردمی و رادی

دانی که بدین اوصاف امروزه در ایران کیست؟

پروین گنابادی، پروین گنابادی

آثار استاد پروین گنابادی، گذشته از شاگردان برگزیده ممتازشان، نوشته‌ها و ترجمه‌های  
سودمند بسیار است که به اجمال از آن یاد می‌کنیم:

پروین گنابادی از پروردگان مکتب قدیم است و از این روی دقت و باریک بینی از  
مشخصات تحقیقات وی است. استاد در مکتب ادیب‌نیشابوری، در گروه ۲ و ۳ شخصیت برجسته‌ای  
بود که در ساحت ادب ایران نام بلند یافته‌اند و از آن میان **بدیع الزمان فروزانفر** است  
که چشم از جهان فرو بسته است.

همکاری استاد محمد پروین گنابادی از سالهای ۱۳۲۸ به معرفی استاد مدرس رضوی  
با مرحوم دهخدا در لغت‌نامه آغاز گردید. البته استاد پیش از آن بر اثر تدریس و تجربه  
فراوان تالیفاتی در زمینه متنه‌های برگزیده ادب فارسی و شیوه انشا و املا نگاری و دستور زبان  
فارسی فراهم آورده بوده‌اند.

همکاری با لغت‌نامه دهخدا و ممارست مداوم استاد در متنه‌های فارسی سبب گردید طی  
نکته‌یابی‌های ارزنده و تحقیقاتی جالبی در زمینه‌های متنوع ادب و فرهنگ، گفتارهایی  
تحریر کنند که اینک مجموعه نفیسی از آن گرد آوری شده و به وسیله سازمان کتابهای جیبی  
در زیر چاپ است و بیش از ۴۰۰ صفحه آن چاپ شده است.

ترجمه «مقدمه ابن خلدون» خود بنهایی شاهکاری در خور ستایش است. همه می‌دانند  
که ابن خلدون از متفکران نامی جهان اسلام است که با نبوغ درخشان خود اثری نامدار  
و پر اعتبار در باب تاریخ تحولات اجتماعی نگاشته است و با نگرشی خاص فلسفه تاریخ  
را مورد مذاقه و بررسی قرار داده است. ترجمه این اثر از چند جهت کاری شگرف و پر-  
زحمت و طاقت فرسا بود.

نخست آنکه زمینه کار از ویژگی خاصی برخوردار بود و از جهت دیگر آنکه عربی  
ابن خلدون کلا با عربی مکتبی و شناخته مغایرت داشت.

استاد پروین با تبحر و شایستگی این ترجمه را به پایان رساند و در سالهای اندک ۳ چاپ  
از آن منتشر گردید که نشانه اشتها و موفقیت این اثر و مترجم بزرگوار آن است.

از ویژگیهای استاد پروین شیوه نگارش اوست. کمتر کسی است که شیوه نوشتن پروین

را بخواند و استواری و زیبایی تحریری را نستوده باشد.

نکته مهم و گفتمانی آنست که به دشواری میتوان سال عمر نویسنده را از نوشته‌های وی باز-شناخت، چون به اصطلاح خونی جوان و جوشان در تحریرات استاد موج‌میزند وی با وجود تبحر در عربی، به شدت از ترکیبهای تازی دوری میگزیند و در بالا بردن واژه‌های فارسی گزینشی دلچسب دارد. بسیاری از نوشته‌های پروین سرمشق درست و شیوانویسی است.

### اینک به جشن نامه پروین گنابادی بنگریم:

احمد آرام با ترجمه آخرین تحقیق در باب ابن خلدون، «مترجم نامدار فارسی این اثر» پروین گنابادی را ارج نهاده و سپاس گزارده است. در کلیله آمده است که گزیده ترنماها آن است که بر زبان گزیدگان رود. احمد آرام می‌نویسد:

«دوست عزیز دانشمند. پروین گنابادی، از گروه انگشت شماری از صاحب نظران شایسته در زبان و ادب فارسی و عربی است که هیچ ادعائی ندارد؛ مشکلی است که خود می‌بوید و به جهت تحقیقات ادبی اولذتبخش است...»

خانم دکتر قمر آریان «چند نکته در باب شیوة غزلیات مولانا» یاد کرده‌اند و ایرج افشار «خواه‌گزاری امام فخر رازی» اثر تازه یافته ارزنده‌ای را معرفی کرده است.

دکتر باستانی پاریزی با ظرافت و دقت از «یکی از مسافران یابان که «ایراق حاجب» فارختائی باشد، وهم اوست که سلسله قراختائیان کرمان را تأسیس کرد، سخن رانده است.

«بررسی چند واژه زراتشت نامه» نقد و تحقیق دکتر جوادیرومند سعید است و «طین المختوم یا گل اوشنک» از دکتر احمد تفضلی، دکتر اسماعیل حاکمی درباره تأکید در زبان فارسی سخن گفته است و «قصاید بدیعی» مقاله جامع بدیع عالمانه محمد رضا حکیمی است. علی دشتی «ابلیس عشق می‌ورزد» نکته‌ای دیگر از منظوم مورد مذاقه قرار داده است و در «نامه‌ای از شمس‌الدین محمد دقائقی مروزی به حمیدالدین بلخی» تحقیق محمد روشن گذشته از آوردن متن نامه به دوسه نکته بدیع تاریخی و ادبی اشاره شده است. دکتر غلامرضا ستوده از «شاهنامه رسالت عصر فردوسی، یاد کرده است و «سیف فرغانی و سعدی» مقاله محققانه‌ای از دکتر ضیاءالدین سجادی و نیز «کتاب سوزی‌خوارزم» تحقیق دکتر شهیدی سرپرست لغت نامه دهخدا.

دکتر علی اشرف صادقی «در باره بعضی پسوندهای نسبت در فارسی معاصر» نکته‌ای دقیق از دستور زبان را مطرح ساخته است، و احمد طاهری عراقی مقاله عالمانه خود را در باب «نقشی از نقشبندیان» تحریر کرده است و نکته‌های دقیقی از مکتب پر آوازه تصوف باز نموده است.

«خدا، نامه‌ها و شاهنامه‌های مأخوذ دوسر» مقاله محققانه خاورشناس و شناس حما

شوروی پروفیسور محمدنوری عثمان است که در چاپ شاهنامه فردوسی از طرف آکادمی جماهیر شوروی و کتابخانه پهلوی مباشرت داشت.

دکتر خسرو فرشیدور گفتاری دقیق در باب «تنوع و تکرار در شعر حافظ» تحریر کرده است و دکتر محمد فشارکی درباره «میرفندرسکی» عالم دوران صفوی، «سخنی درباره صادق هدایت» آخرین تحقیق محمود کتیرائی است که در باب شناخت آثار و احوال صادق از یگانه‌های ادب امروز است. دکتر محمد جعفر محبوب از «فتوت‌نامه امیر المومنین علی بن ابی طالب» سخن داشته است و به معرفی اثری تازه پرداخته. «ملعبه در شعر ناصر خسرو» بررسی دقیق نکته‌ای است در شعر ناصر از دکتر محقق «کاخک‌گناباد» تحقیق دکتر مظلومی از وضع جغرافیائی زادگاه استاد پروین. عبدالغنی میرزایف عضو فرهنگستان تاجیکستان گفتاری بدیع در «اسناد جدید راجع به فراموشخانه و بعضی از مقاصد اهل آن» به فارسی نگاشته‌اند.

«درباره ترجمه بفارسی» نوشته مجتبی مینوی گویای نکته‌های اساسی در مورد ترجمه است. دکتر بهمن نوائی مقاله رامینو خاورشناس نامدار را «یک ترانه گیلکی» به فارسی ترجمه کرده است. «بحثی درباره واژه‌های اوستایی» مقاله محققانه ایرج وامقی است در باب یک لغت که از دیرباز مایه مشاجره بوده است. دکتر حسین وثوقی «نگاهی کوتاه به دست‌نویز بان سستی در مقایسه بادستورهای نوین» افکنده است و دقیقاً به نقد و بررسی آن پرداخته است.

«ای دیوسپید» نوشته‌ای است از دکتر غلامحسین یوسفی بخش فارسی کتاب باشعری از دکتر احمدی گبوی در «ستایش پروین گنابادی» به پایان میرسد.

بخش خارجی کتاب شامل دو گفتار است. نوشته‌ای به انگلیسی تحت عنوان

### Expression of quabitative & Stative concepts in Arabic

از دکتر هوشنگ اعلم.

و گفتاری بررسی از پروفسور رابینچیک در باب «عبارات کنایی در زبانهای ایرانی».

مقاله زیر خلاصه فصلی است از کتاب «آنچه خود داشت»  
که توسط نویسنده محترم در باره هویت فرهنگی  
شرق به طور کلی و ایران بطور خاص تألیف یافته و  
هم اکنون در دست چاپ است

## دانش غرب و بینش شرق

دکتر احسان نراقی

جان شو و از راه جان، جان را شناس

یار بینش شو، نه فرزند قیاس

«مولوی»

### مقدمه

برای آنکه موضوع سخن روشن و حتی الامکان از ابهام بدور باشد بهتر است که ابتدا  
مراد خود را از دو کلمه «علم» و «فرهنگ» بیان دارم.

مراد از علم بمعنای جدید آن مجموعه‌ای از احکام منضبط کلی است که به وسیله آن  
انسان میتواند در امور طبیعی و انسانی بر حسب اراده خود به تأثیر و تصرف بپردازد.

با مراجعه به تاریخ بشر و تلاشهای فکری او در میابیم که انسان همیشه در صدد پی بردن  
به اسرار جهان و طبیعت بوده هر چند که وجه نظر او با امروز تفاوت داشته است و پس از هزاران  
سال تجربه و افزایش دانش و آگاهی در همه جوامع انسانی و تمدنهای گوناگون و انواع

بر طبیعت مستلزم دید عینی (ابژکتیو) بدانیم در مقابل علوم روانی و انسانی، که در آنها دید ذهنی (سوبژکتیو) نمی‌تواند خالی از مداخلت باشد، باید به تبع بعضی از متفکران طراز اول معاصر بگوئیم برای سروسامان دادن حقیقی بزندگی انسان امروز، گذشته از این دو نحوه دید عینی و ذهنی باید در توضیح و تفسیر معنی حقیقی فرهنگ به نحوه دید دیگری نیز که ورای دو نحوه دید عینی و ذهنی و به تعبیر آنها Transsubjectif - objectif است توجه خاص مبذول گردد.

در این مورد با دقت هر چه تمامتر باید در نظر آورد که آنچه در تمدن غربی وجود دارد جدا از فرهنگ غربی نیست. در تحلیل این نوع تمدن ملاحظه می‌شود که خصوصیات و وجود دارد که علم را از دیگر جلوه‌های مدنیت جدا نکرده است. داشتن دید عینی و در عین حال اعتقاد بفرد - جنبه غیر شخصی دادن با مورد حوادث - تعلق خاطر بمادیات - اهمیت دادن بسرعت و تولید زیاد - اعتقاد به تشکیلات و بوروکراسی - سرمایه‌گذاری و تغییر نحوه تولید و فکر بهبود آن پیشبرد مورد بوسیله تکنولوژی آنها از خصوصیات روحی و اجتماعی غربیان است که با علم و تحولات علمی آمیخته شده است.

نتیجه‌ای که از تحولات جوامع غربی در زمان حاضر بدست می‌آید اینست که این کشورها بعلافت افراط در استفاده از مواد طبیعی متوجه خطرهای ناشی از تباهی محیط زیست خود شده‌اند و بتدریج تمایلی در آنها بوجود آمده است که صنعتی کردن زندگی و توسعه بی‌حد تکنولوژی امکان ندارد و باید نمونه‌ها و مدل‌های تازه‌ای یافت که علم و تکنیک با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی و انسانی هر ناحیه متناسب باشد و آن امری نیست که بتواند خود بخود انجام گیرد.

لوئیس ممفورد (Lewis Mumford) صاحب نظر آمریکائی در کتاب بسیار جالب خود بنام افسانه ماشین (The myth of the machine) میگوید علم و تکنولوژی در عصر حاضر پایه‌ای رسیده است که اگر بشر آنرا بحال خود نگذارد و به هدایت آن اهتمام نوزد یکسره از حالت افزار و وسیله خارج شده بشر را بصورت افزار و وسیله مخرب خود در خواهد آورد و از اینراه استعداد های مطلوب آدمی سخت در معرض تباهی قرار خواهد گرفت و حال آنکه تمدن صنعتی هنوز هیچگونه تضمینی برای مقابله با این خطر بوجود نیاورده و بهمین دلیل تمدن صنعتی به معنی حقیقی آن هنوز واقعیت پیدا نکرده است.

با توجه به این مراتب است که، ما شرقیان باید متوجه باشیم، تمدن و فرهنگ خود را یکسره در مقابل صنعت غرب نبازیم به کسب علوم و صنایع جدید اهتمام ورزیم و از آنها در تسهیل امر معیشت هر چه بهتر بهره بگیریم، ولی ضمناً باید توجه داشته باشیم به اینکه هویت فرهنگی خود را تابع علم و صنعت و مضمحل در آنها نگردانیم و برعکس بکوشیم تا علم و صنعت را تابع

نقل و انتقالها و تأثیر و تاثرات، ازدورهٔ مدنیت فینیقی و مصری و هندی و چینی و ایرانی گرفته تا تمدن اسلامی، سرانجام در حدود چهار قرن پیش زمینه برای تکوین علم جدید در مغرب زمین فراهم آمده است. ولی باید در نظر داشت که معرفت علمی بمعنای امروزی آن یکی از اقسام معارف است که فقط پاسخگوی بخشی از نیازهای آدمی است و هرگز نمیتواند از جهات مختلف موجبات ارضای خاطر آدمی را فراهم آورد چه آدمی دارای نیازهای گوناگونی است که دین و سیاست و اخلاق و هنر و ادب و فلسفه از جمله مظاهر این نیازها بشمار میرود و مجموع آنها در اصطلاح فلسفه و علوم انسانی بنام فرهنگ خوانده میشود.

بنابراین فرهنگ در واقع مجموع پاسخهایی است که هر قوم در طول تاریخ خود چه در مقام نظر و چه در مقام عمل به نیازهای اصلی و اساسی خود میدهد و عبارت دیگر فرهنگ هر قوم امری است که نحوه ارتباط آن قوم را با عالم و آدم و اصل و مبداء این دو مشخص میکند و از این جهت است که میتوان معنی و انگیزه فکر و عمل هر قوم را در چگونگی فرهنگ آن قوم جستجو کرد. با توجه به این مراتب میتوان گفت که علم بمعنی امروزی آن که غرض از آن تأثیر و تصرف در طبیعت و توسعه صنعت است بصورت یکی از عناصر خاص فرهنگ غربی در آمده است بدانسان که با پیشرفت شگرف علوم طبیعی و ریاضی در تمدن غرب اینک می بینیم که شئون دیگر فرهنگ غربی تابع آن قرار گرفته و از اینجا بحران یسابقه ای چه در زندگی مادی و چه در زندگی معنوی غربیان پدید آمده است.

یکی از مقاصد اصل زندگی در مغرب زمین پیشبرد علم مبتنی بر مخصوصاً روشهای تدقیقی کسی است. ولی باید توجه داشت که در مقابل این امر امروز غالباً صحبت از کیفیت زندگی و احیاناً سخن از «تعالی» وجود و وجود آدمی از دو مقوله چند و چون (کم و کیف) و دیگر مقولات در میان است و این خود نشانه برهم خوردن هم آهنگی میان مجموعه زندگی جمعی و روحی انسان با علمی است که ساخته و پرداخته اوست.

و اما مراد از کیفیت زندگی در عرف امروزی غربیان بقول حافظ «لطیفه ایست نهانی که عشق از آن خیزد» لطیفه ایست نهانی که دوستی و صمیمیت و همدلی و هم سخنی از آن ناشی است. در مقابل حالت خشک ماده پرستی و حرص و آرز نسبت به ظواهر بی معنی زندگی متداول امروزی غرب کیفیت زندگی مثلاً در سروسامان داشتن زندگی شهری است به قسمی که سرو صدا و ازدحام اتومبیل و جمعیت کمتر باشد و انسان بتواند در شهرها و محلات از مظاهر طبیعی از قبیل آب و سبزه و گل و گیاه و قضا و نور بیشتر و بهتر بهره مند شود.

کیفیت زندگی در اینست که مردمانی که تا کنون همیشه و سوا س بیش از حد در تنبیر و



تند که با هیچگونه مقیاس  
است که می تواند در يك  
داشته باشد.

### تشخیص داد:

راند و در این مرحله بیشتر  
خاک و کشاورزی است و

وجود اعم از بی جان و  
و تصرف، قرار میگیرد، و  
ار گرفته ایم.

آن و متعلقات آن کوشش  
و وقت بوده ولی در

راند داشت. در تمدنهای  
لی با طبیعت مبنی بر صرف  
ان سوژه (موضوع، فاعل)

این اعتبار که جزئی از  
اینجاناشی است مفهوم  
شده است. یعنی وضع و

بگو، جمعی از متفکران  
تدگی اجتماعی و رابطه  
تیز اقدام شده است.

که تکنولوژی و ماشین  
فرهنگی و تاریخ

## ۲- فرهنگ غرب در برابر فرهنگهای دیگر

از قرن نوزدهم بعد جمعی از صاحب نظران غربی تفکر منطقی و  
کلی از مختصات فرهنگ غرب قلمداد نمود. از مدافعان این قول د  
«لوی پرول» جامعه شناس معروف فرانسوی بود که در سیر فکری بشر  
یکی مرحله تفکر پیش از منطق La pensee prelogique و دیگر مر  
La pensee logique و این يك را از خصوصیات فکری مردم مغرب  
و مفروضات و مقدمات او در استنباط این حکم مطالبی بود که سیاحان و جهان  
مردم اقیانوسیه و افریقا گزارش داده بودند و از این دست اندیشهها بود که  
جدید التأسیس اتنولوژی (مردم شناسی) و (آنتروپولوژی و انسان شناس  
گفتگو قرار گرفت.

### ۳- افسانه تمدن صنعتی

تمدن اروپایی را برخلاف قول مشهور نمی توان تمدن صنعتی نام  
متعددی وجود دارد که صنعتی نشده اند و در تمامی آنها امر تکنولوژی با ف  
(اسلاوی، فرانسوی، آلمانی، انگلیسی و غیره) آمیخته گردیده بی آنکه این  
وحدت تمدنی بوجود آورد.

مثلا شوروی از لحاظ صنعتی تجهیزاتی دارد کمایش هم پایه انگلی  
هر کدام از لحاظ حیات اجتماعی ممتازی دیده می شود که از چندگانگی  
معروف است که از گاندی پرسیدند که نظرش در باره تمدن صنعتی  
تمدن صنعتی را می گویند، نظر خوبی است. در این جواب مقصودگانند  
هنوز تمدن صنعتی از مرحله نظر به عمل نیامده و واقعیت پیدا نکرده است و  
نکتر امریست که بساریتهای فرهنگی و تأثیر مدنیت آنها در تمدنهای  
صنعتی ارتباط دارد.

بهر حال پایه گذاران تمدن و تکنولوژی اروپایی در باره انسان غر  
آستانه تحول جدیدی قرار دارد، هیچگونه پیش بینی بعمل نیاورده بودند  
دیگر روشن شده است که علم می تواند به بشر وسائلی را عرضه دارد و مقا  
ولی نمی تواند بصورت رهبر و راهنمای بشر در آید چه تکیه بیشتر علم بر نی  
و در راه و رسم ارضای آنهاست، و اگر بخواهیم معنی علم را در قابلیت واد

نگی اصیل خود که امری و رای دیده‌های ذهنی و عینی است قرار دهیم.

د. علم

تمدن مغرب زمین، علم و تکنولوژی در حدود سه چهار قرن است که رشد کرده و  
اره شد در طی این مدت تا حد زیادی بازندگی و فرهنگ مردم اروپا در آمیخته و اینک  
ایجاد بحران بی سابقه‌ای نخست در زندگی غرب و سپس کمابیش در زندگی جهان  
است و این خود نوعی مقاومت در مقابل سلطه علمی ایجاد کرده است. مقاومتی که  
غیر غربی بعثت دوگانگی بیشتر میان علم و فرهنگ شدت بیشتری بخود گرفته است.  
م و تکنولوژی آنچنانکه در غرب رشد یافته در جوامع آسیائی و آفریقائی از امور بسیار  
و ناآشناست و جمع و تلفیق آنها با آداب و رسوم و معتقدات و طرز تفکر و شیوه زندگی  
ملی با فرهنگهای این جوامع امری است بسیار دقیق و غامض و در خور توجه و  
مناص.

غرب چنانکه اشاره شد با اینکه علم در فرهنگ اروپائی ریشه گرفته اینک کار آن به بحران  
غرب منجر گردیده است. بطوریکه در آنجا اگر در درون یک انسان بدقت بنگریم  
م که گرفتاریها و نابسامانیهای وجود دارد که درک و فهم و چاره همه آنها بوسیله علم  
ت و علم انسانی ساخته و پرداخته غرب نیز نتوانسته است به حل این مشکل موفق آید. مسلم  
علم به بشریت خدمت کرده است، ولی اگر جامعه‌ای شناسائی علمی را مطلق انگارد، در آن  
متنبه اخلاقی و معنوی حیات انسانی و یا فرهنگ جامعه حالت و وضع دشواری  
نیارد.

به تعبیری دیگر نحوه تلقی علمی بکواخت است و بخصوصیات اصلی و لایف حیات  
چی نمیتواند داشته باشد، در حالیکه فرهنگ امری است که بدان انسان میتواند بدین  
به نسبت بخود دو همگان خود دو جامعه خود و بطور کلی نسبت به اساسی خود وضع انضمامی  
شته باشد. اما در سالهای اخیر نسبت به ارزش و امکانات و حدود علم نظرهای جدیدی  
است از آن جمله است اقوال صاحب نظرانی چون فیلسوف معروف آلمان و ویلم دیلتای  
Wilhelm) که با توجه به امتیاز ذاتی میان موضوعات و مسائل علوم طبیعت و ریاضی  
علوم انسانی از سوی دیگر برخلاف پوزیتیویسم (مذهب تحصیلی و نتیجه آن دانش‌انگاری  
«، روش پژوهش علوم انسانی را غیر از روش پژوهش علوم طبیعت و ریاضی باز شناخته‌اند  
روشن که چون موضوع علوم انسانی انسان است، نه جسم و ماده بیجان و یا حیوان

فاقد هویت عقلی، آن  
ریاضی و پیچیده تر از آن  
پرداخت و معرفت صحه

(Das verstehen)

از طرفی دیگر  
دیگر نمیتواند راضی  
از آن به شیوه موجود  
انسانی نیز عطف توجه  
توجه شود که معنی  
علوم طبیعت و ریاضی

۵- چگونگی اقت

مدت زمانی اس

بدون اینکه هویت و  
ژا بن با حفظ  
غرب را اقتباس کند  
غرب بود یعنی سیرت  
مراحلی چند به آن قا  
سود جوئی شخص  
تعاون و صمیمیت چ  
خویشاوندی حتی در  
در غرب موجود اس  
دسته‌ای از متفکران  
صنعتی گردید.

در سرزمین

تا حد زیادی رنگ

غربی بود فرق پیدا  
به تناسب احتیاجات

ت قرار دهیم.

قرن است که رشد کرده و مردم اروپا در آمیخته و اینک کمایش در زندگی جهان جاد کرده است. مقاومتی که بیشتری بخود گرفته است. آئی و آفریقائی از امور بسیار و طرز تفکر و شیوه زندگی تمامش و در خور توجه و

فایده هیت عقلی، آثار و پدیدارهای مترتب برین موضوع نیز غیرا ریاضی و پیچیده تر از آنست که بتوان به سنجش و اندازه گیری آنها بما پرداخت و معرفت صحیح نسبت بمسائل علوم انسانی در حقیقت جز از راه (Das verstehen) ممکن نیست.

از طرفی دیگر امروز نسل جوان اروپا از اینک علم بعنوان ارزش دیگر نمیتواند راضی و دلخوش باشد و اعتراض آنها در حقیقت نه به نفس از آن به شیوه موجود است. اعتقاد نسل جوان این است که در استفاده از انسانی نیز عطف توجه شود و شئون و فضائل انسانی ملاک استفاده از ان توجیه شود که معنی این ارزشهای والا و این فضائل حیات انسانی امری علوم طبیعت و ریاضی تعیین و تفسیر کرد.

### ۵- چگونه اقتباس

مدت زمانی است که در آسیا کشورهایمانند ژاپن از علم جدید بدون اینکه هیت و شخصیت ملی خود را از دست بدهند. ژاپن با حفظ موارث فرهنگ و خصوصیات روحی و معنوی خود، غرب را اقتباس کند و به آن قدرت و قوت فوق العاده ببخشد. راه ژاپن غرب بود یعنی سیر تحول اقتصادی و اجتماعی ژاپن بجز سیری بود که در مراحل چند به آن قائل بودند. از لحاظ روانی، روحیه فردانگاری سود جوئی شخصی که از کاپیتالیسم است در ژاپن دیده نشد و بر تعاون و صمیمیت جمعی گذشته خود را همچنان محفوظ دارد، ماننا خویشاوندی حتی در کارخانه، اصولا سازمانهای سیاسی و اجتماعی دور در غرب موجود است در آن کشور بوجود نیامده و عبور از مراحل شنا دستهای از متفکران «اجتناب ناپذیر» می دانستند، پیدانشد و ژاپن صنعتی گردید.

در سرزمین چین دایم انقلاب بنام سوسیالیسم برافراشته گردید تا حد زیادی رنگ ملی چین به خود گرفت و با همار کسبیم متداول (کار غربی بود فرق پیدا کرد و همراه با این انقلاب اجتماعی و سیاسی علم و به تناسب احتیاجات بکار گرفته شد. مارکسیسم بر مبنای ماتریالیسم تا

به گرفته اینک کار آن به بحران یک انسان بدقت بنگریم چاره همه آنها بوسیله علم را این مشکل موفق آید. مسلم می را مطلق انگارد، در آن به حالت و وضع دشواری

یات اصلی و لطایف حیات به بدان انسان میتواند بدین مسوای خود وضع انضمامی بود علم نظرهای جدیدی بروف آلمان و بلیم دینتای علم طبیعت و ریاضی و نتیجه آن دانش انگاری و ریاضی یا شناخته اند و ماده بیجان و یا حیوان

تاریخی معتقد بود و پیش بینی می کرد تا جامعه بمرحله صنعتی نرسد طبقه عظیمی از صنعتی بوجود نیاید، زمینه ای برای انقلاب سوسیالیستی فراهم نمی شود. زیرا انقلاب را خاص طبقه کارگر میدانست در حالیکه در چین وضع بشیوه پیش بینی شده از کشور قبل از اینکه وارد مرحله سرمایه داری شود دست به انقلاب سوسیالیستی زد را برپا داشت متفاوت با نظامی که در شوروی بر مبنای همان فلسفه مارکسیستی پیش برپا شده بود

اما نتیجه ای که از اینگونه تجارب بدست می توان آورد اینست که:

۱- فرهنگ غرب نمیتواند جهانگیر باشد و اشاعه تکنیک و علم و تأمین رفاه همگان و بی اجتماعی بر اساس فرهنگهای دیگر نیز میسر است و برتری فنی و اقتصادی غرب دلیل سیستم اجتماعی و یا زندگی فرهنگی آنها نیست.

۲- فرهنگهای ملل مختلف جهان هر کدام بسهم خود قابلیت و استعداد لازم برای اخذ بی به تناسب احتیاجات مادی و معنوی خود دارند. بنا بر این توسعه و رشد اقتصادی و فنی با ارزشهای ملی و روحی و ذوقی و تاسیسات فرهنگی جامعه و سازمانهای اجتماعی پیدا کند و در نتیجه با گذشته و تاریخ و جامعه انقطاع حاصل نشود.

۳- توجه به این مراتب بخوبی میتوان پی برد به اینکه مدل و نمونه غربی تنها مدل و نمونه توسعه برای دیگر جوامع بشری طی مراحل تاریخی آنها نمیتواند بود و در این صورت قدم و مؤخر بطوریکه در گذشته مدنظر بود از ارزش و اعتبار خود ساقط می گردد. نمی توان مثلاً در مقایسه کشور ژاپن با کشور سوئد یا کشور هلند از لحاظ شئون مختلف یکی را بر دیگری برتر دانست، و یا کشور چین را با کشور چکسلواکی مقایسه کرد. لکن فقط در امور کمی قابل سنجش نیست، و این روش یکسان سازی که غربیان در پی آن می خواستند همه جهان را تابع راه و رسم خود کنند و خود را دایر مدار همه عالم بدانند همانرا با وضع خود بسنجند ناشی از دید آترو بوسا تریسم غربی است که بدیگران نیز بود و حال آنکه توسعه صنعتی فرع بر وجود جامعه است. لذا جامعه باید از روی

با انکای به فرهنگ ملی خود، علم غرب را اقتباس کند و نه اینکه تکنولوژی و علم از خارج میل شود. زیرا ورود صنعت و تکنولوژی غربی بجهان سوم به دو وجه

است صورت گیرد. یکی وجه تحمیلی و دیگری وجه اختیاری

وجه تحمیلی آنست که استعمارگران طبق مصالح و منافع خود راه و رسم خاصی را در بهره ز ثروت ملی به کشورهای جهان سوم تحمیل کنند. نظیر ایجاد یک درشته صنعتی و یا استخراج

معدن خاص و یا اقتصاد در کشور نتوانند زمام امور اقتصادی و فرهنگی را برپا داشته

بدین وجه، صنعت که از خارج وارد اقتصادی و سیاسی بدیگران است.

بملاحظه

مخل علم نیست بلد

در تمام مرا

با دیگر آثار فکر

اجتماعی در رابطه

نه فقط با علم تعارضی

تجربه های ممتد

فنی جدیدی دارد.

و جستجو و یا سابقه

نه تنها مزاحم و مخل

از لحاظ علمی بسا

و علم جدید را از

درهم شکند.

۶- توانائی فرد

در مشرک

وجود دارد:

۱- گروه

ملی را امری ارت

صنعتی نرسد و طبقه عظیمی  
بسی فزاینده نمی شود. زیرا  
وضع بشیوه پیش بینی شده  
ت به انقلاب سوسیالیستی زد  
همان فلسفه مارکسیستی پیش

نیست که:

و علم و تأمین رفاه همگان و  
ی فنی و اقتصادی غرب دلیل

لیت و استعداد لازم برای اخذ  
ن توسعه و رشد اقتصادی و فنی  
جامعه و سازمانهای اجتماعی  
ن شود.

نمونه غربی تنها مدل و نمونه  
می تواند بود و در این صورت

شمار خود ساقط می گردد.  
رو هلند از لحاظ شئون مختلف

چکسلواکی مقایسه کرد.  
سازی که غریبان در پی آن

را دایره دار همه عالم بدانند  
غربی است که بدیگران نیز

لذا جامعه باید از روی  
که تکنولوژی و علم از خارج

حیوان سوم به دو وجه  
وجه اختیاری  
و در صورت خاصی را در بهره  
بشرکت صنعتی و یا استخراج

معدن خاص و یا توسعه یک محصول معین کشاورزی بدون ارتباط  
اقتصادی در کشور، بطوری که مردم نسبت به کارهای خود صنایع و  
توانند زمام امور صنعتی و اقتصادی را در دست گیرند و از عهده ایجاد  
اقتصادی و فرهنگی جامعه بر نیایند.

**وجه اختیاری آنست که تکنولوژی باهشیاری و آگاهی اقا**  
بدین وجه، صنعت غرب را اخذ میکند هم بلزوم آن و قوف داشته باشد  
که از خارج وارد میشود، و پیدا است که اقتباس بوجه اخیر موجب ت  
اقتصادی و سیاسی کشور خواهد بود برعکس وجه اول که موجب افزایش  
بدیگران است.

با ملاحظه علم و تمدن غرب از این دیدگاه آشکار می گردد که ف  
مخل علم نیست بلکه به استمرار آن در دنیای متجدد و متحول امروزین  
در تمام مراحل تاریخ چنانکه بازمفورد (Mumford) خاطر  
با دیگر آثار فکری و روحی و ذوقی بشر یعنی فلسفه و دین و هنر و نحو  
اجتماعی در رابطه است و بعبارت دیگر افکار بشر در مجرد ترین و خیال  
نه فقط با علم تعارضی ندارد بلکه مشوق آن نیز میتواند باشد لذا فرهنگهای  
تجربه های متمدن ملتها در شئون مختلف حیاتی است، زمینه مساعدی  
فن جدیدی دارد. در بسیاری از فرهنگهای شرق برای مدرن ترین ا  
و جستجو و یا سابقه خیال انگیز و افسانه های آن وجود داشته است. حاص  
نه تنها مزاحم و مخمل پیشرفت علمی و صنعتی نیست بلکه بعنوان مثال،  
از لحاظ علمی بسیار درخشان است میتواند زمینه مساعدی برای کس  
و علم جدید را از آن خود سازد و بدین سان طلسم تضاد و دوگانگی  
درهم شکند.

## ۶- توانائی فرهنگی

در مشرق زمین نسبت به علم غربی دو طرز فکر وجود

وجود دارد =

۱- گروهی اصول علم جدید را امری مطلق در نظر گرفته  
ملی را امری ارتجاعی می پنداشتند. در نتیجه این طرز تفکر راه برای

ره به بازار کالای خارجی مبدل می‌گشت.

مقابل این گروه، دسته دیگری بر اه تفریط میرفتند و تاریخ گذشته و فرهنگ و تمدن می‌انگاشتند و بدون توجه به جنبه تحول دائم فرهنگ و لزوم تطابق صحیح بیات و روح زمانه، فرهنگ را بصورتی جامد در مقابل هر گونه تجدد و تحول ن طریق همه دستاوردهای دنیای غرب رانفی میکردند.

که این افراط و تفریط هر دو نابجا و مضر بحال جامعه است زیرا یک جامعه هتگامی خواهد بود که با حفظ مواریث فرهنگی و با انکای به سنن و آداب ملی خود بتواند و تکنولوژی غربی که از مقتضیات جهان کنونی است رو بر و شود.

نست که بتوان روح و معنی فرهنگ هر قومی را بازشناخت و اصل و فرع را از هم پرداختن بفروع و تعصب و رزیدن در ظواهر بروح و اصل فرهنگ و فادارماند. معه ای است که میان فرهنگ ملی و علم و تمدن غربی پیوندی زنده و حیات بخش

دانست که هیچ فرهنگی یک سیستم بسته نیست و هر فرهنگی چندانکه عقب مانده ل برخی از غریبان متعلق با قوام ابتدائی باشد باز کلاباب تغییر و تحول برای پژوهشهای انسان شناسی نشان داده است که در تمام فرهنگهای گذشته نوعی و علمی خاص و استعداد در کارهای فنی وجود داشته است مثلاً ریاضیات در مصر هند و طب سوزنی در چین و طب گیاهی در ایران نمونه‌هایی از سوابق فکر علمی است (۱).

دقت دیده می‌شود که سابقه کوشش در کارهای علمی و تکنولوژی در تمام دارد، بویژه در فرهنگهای کهن. شاید بتوان گفت که فرهنگ ایرانی بعلمت قرار ر خورد فرهنگی و تمدنی جهانی در این مورد قابلیت بیشتری پیدا کرده است

برك (Jacques Berque) آثار هگل بزبان ویتنامی قابل ترجمه است و ان عربی. با وجود اینکه میان این دوزبان و زبان آلمانی و فرانسوی تفاوت مفاهیم فلسفی و اجتماعی و علمی مربوط به فرهنگهای دیگر را بدانها بیان میتوان ینکه هر زبانی استعداد و قابلیت ذاتی و بالقوه برای مفاهیم علمی را دارد و فی هم در صورت فراهم بودن شرایط تاریخی و اجتماعی لازم برای آن از عهده ای دقیق فنی و علمی بر میآید.

در گذشته کشورها

اجتماعی آنها با تمدن و

مسأله انطباق علم و تمدن

هم معنی با انطباق با غرب

ساخته و مردم این قاره

بخواهند که خودشان باش

پژوهشهایی که در

مختلف این قاره با وجود این

شیمیائی، مبارزه با حشرات

افراد نسبت به امر پس اند

باقی مانده و زندگی خانو

زندگی همچنان بقوت خ

کافی السابق مقداری از

بسوی ترقیات بازمی کند

بقول شرما (Syerma)

و اساس زندگی اجتماعی

میگوید: ممکن است علم و

که هنوز محسوس نیست و

شد و خصوصیات ملی خو

۷- انتخاب و ابتکار

جوامعی نظیر جامعه ما در

چشم انداز وافق وسیعی

فراوانی که در دسترس بش

و عواقب نامطلوب این

نوزدهم به بعد بعلمت شی

اجتناب و رژیم.

برای اروپائیان

(دانش انکاری)، صورت مذهب جزم غیر تحقیقی (دگماتسم) بخود گرفت و این پندار بنام دفاع از «روح علمی» در جرائد و مطبوعات مانیزرخه پیدا کرد. ولی در قرن بیستم و عصر حاضر است که می بینیم همواره بیشتر بخطای این پندار پی برده می شود سرگذشتی که می تواند برای ما خود درس عبرتی باشد نادیدگر بادفاع کورکورانه از «روح علمی» ینش گذشته و فرهنگ ملی خود راهیچ و پوچ نینگاریم و از یاد نبریم که از علوم رسمی فقط بعنوان ابزار و وسیله است که می توان استفاده بسزا کرد و اذاینجاست که فرهنگ ملی می تواند تعیین کننده راه و رسم صحیح برای رسیدن به جهان صنعت باشد.

بعنوان مثال میگوئیم قرنها مردم کشور ما در شرایط اقلیمی سخت و نامساعد، در نقاط مختلف چه در دل کوهستانهای سردسیر و چه در صحاری خشک و سوزان زندگی کرده نه بصورت آبی و زودگذر، بلکه بصورت امری مستمر منشاء ایجاد تمدنهایی بوده اند که هم از لحاظ فنی و اقتصادی قابل دوام بوده و هم توانسته است دیگر نیازهای گوناگون آدمی را بر آورده سازد. هیچ علم غربی قادر نخواهد بود که این تمدن را بشناسد و تا این تمدن چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی شناخته نشود تکنولوژی جدید نمی تواند در خط تکمیل و نوسازی آن یفتد. کشاورزی و دامداری سابق در ایران یکی از بزرگترین گنجینه های معرفت انسانی است که کشف و آگاهی به آن، آنرا از مضار و مخاطرات زیادی دور میسازد و برای ما امکانات جدیدی را فراهم می آورد.

### حاصل سخن

تسلط واقعی بر علم از آنجا آغاز میشود که جوینده بتواند گذشته آن علم را نیز بشناسد یعنی بمسیری که فکر بشر از آن عبور کرده است پی ببرد بهمین دلیل ضرورت دارد که سوابق تمدنهای مختلف بشری را در علم غربی از هندوچین و مصر گرفته تا ایران بازشناسیم و این امر بدان دلیل نیست که بخوایم در خود احساس غرور و افتخار بجود آوریم، بلکه بدین منظور است که به موارد و مراتب تفکر بشر آگاهی یابیم و دریابیم که در مشرق قبل از نسانس پزشکی و ریاضیات تاچه حد میزان تحول یافته و یاوضع حکومت و فلسفه در حوزه های فکری مشرق زمین چگونه بوده و یافتون و طرق علمی در شتون مختلف زندگی آسیائی و یسا افریقائی ناحیه به چه پایه تکامل و پیشرفت رسیده بوده است این آگاهی ما را به مسیر فرهنگی و سوابق آن و چگونگی تکوین فکر و علم غربی بیشتر مسلط می سازد.

یکی از خطره های علم در این است که تنها به کار بردهای آنی آن توجه کنیم و بدین صورت

از اصل و بنیاد آن بدور بمانیم و هیچگاه نتوانیم نتایج علم و صنعت را مسخر خود سازیم و همیشه بصورت مصرف کننده آن باقی مانیم.

شرط امکان اجتناب در چنین وضعی اینست که اولاً با حفظ موارد اصیل فرهنگی خود بتوانیم از علم و صنعت جدید بنحوشایسته بهره بگیریم و ثانیاً در خود نسبت به جهان احساس انقطاع و بریدگی که مانع ابداع فرهنگی و سازندگی است نداشته باشیم.

فرهنگ هر ملت وقتی میتواند زنده و شکوفا باشد که بتواند بدادوستد معنوی و هم سخنی (دیالوگ) خود با فرهنگهای دیگر ادامه دهد. هویت فرهنگی تازمانی مداومت و پیشرفت خواهد داشت که بتواند به مبانی مظاهر خود حیات تازه و قابلیت تحول و تکامل بخشد و بتواند میان باطن و ظاهر، حقیقت و واقعیت معنی و مفهوم نظر و عمل هنر و صنعت پیوستگی و حرکت بوجود آورد. تمدن صنعتی بموفقیت های شگفت آمیزی رسیده است که جای انکار نیست و منطقی است که دیگران نیز در پی آن باشند. در تمدن غرب جنبه های منفی و نامطلوبی هم وجود دارد که خود غریبان پیش از پیش بآن توجه دارند خشونت در روابط انسانی. ماده پرستی و سود جوئی فردی. گسستگی رشته نظام خانوادگی. فقدان آسایش و آرامش در شهرهای بزرگ. جایگزینی مال و منال بجای همه ارزشها. سوق دادن اشخاص از راه تبلیغات و آگهی های بسیار دقیق بسوی مصرف و اسراف. و بطور کلی بی اعتنائی نسبت بمصالح حقیقی انسان و نوع بشر، اینهمه از مظاهر جامعه صنعتی غربی است که بهیچ روی نباید از زیانهای آن غافل ماند. باید این گفته را که میگویند اگر ماشین و تکنیک را میخواهید باید همه جنبه های منفی آنرا هم بپذیرید، بنحوی قاطع تخطئه کرد. نشانه آزادی و اختیار و قدرت ملتهای هشیار اینست که به اخذ آنچه مطلوب و ترك آنچه نامطلوب است همت گمارند. امری که شرایط تاریخی آن امروز برای ملل مشرق زمین از هر زمان بیشتر فراهم است و میتوان گفت که شرایط تاریخی امروز بیش از هر زمان دیگر تعیین کننده سر نوشت ملتهای مشرق زمین است.